

حقوق شهروندی زن از دیدگاه حقوق موضوعه و مفاهیم قرآن

فروزان علایی نوین*

زینب اسماعیل پور**

چکیده

حقوق شهروندی یکی از مباحث مهم است که مورد توجه مکاتب حقوقی مختلف قرار گرفته است. و تضمین حقوق شهروندان که احياناً مورد تعدی حکومت قرار می‌گیرد از حساسیت خاصی برخوردار است، از سوی دیگر قوانین تبعیض آمیزی که حکومت‌ها در برخی موارد نسبت به جنس شهروندان خود وضع و اجرا می‌کنند امری است که وجدان انسان نمی‌تواند از آن بی‌تفاوت بگذرد.

در این نوشتار حقوق شهروندی زن از منظر کنوانسیون بین‌المللی، قانون اساسی و قرآن مورد بررسی قرار گرفت. مسلم گردید با آنکه مصادیق بارز نفی تبعیض و برقراری تساوی حقوق در همه موارد مختلف این معاهده دیده می‌شود اما اشکال اساسی کنوانسیون، تلقی ناصحیح از مفهوم «تبعیض» است. از نظر تنظیم‌کنندگان کنوانسیون «تساوی حقوق» به معنای تشابه است، در حالی که به این معنا نیست. تساوی برابری است و تشابه یکنواختی است. اسلام تبعیض بین زن و مرد را رد می‌کند و تساوی حقوقی را می‌پذیرد ولی مهم این است که تساوی را به معنای تشابه نمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، جنسیت، فقه امامیه، حقوق موضوعه، کنوانسیون بین‌المللی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران - کرج. Forozan.alaei@kiau.ac.ir
** دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

مقدمه

حقوق افراد یک جامعه اعم از زنان و مردان که آنرا حقوق شهروندی نامیده‌اند یکی از مباحث مطرح و مهم جهان کنونی است که مورد توجه اندیشمندان و صاحبان مکاتب حقوقی مختلف قرار گرفته است، با توجه به اینکه در صیانت از حقوق شهروندی می‌بایست ابتدا شهروند و حقوق او را شناخت لذا تبیین این حقوق از دیدگاه قرآن و حقوق موضوعه ضروری به نظر می‌رسد.

قرآن در اصل همه انسانها را در گوهر انسانیت و فضیلت و ارزش انسانی باهم برابر دانسته و رنگ و نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت را به عنوان وسیله تشخیص حساب می‌کند نه امتیاز و برتری. بنابراین برای زن و مرد شرافت و کرامت یکسانی قائل شده و جز تقدم در آفرینش مرد، نسبت به زن هیچ تفاوتی بین آنها ذکر ننموده است. تفاوتها و تبعیض‌های بجا یا نابجا بین زن و مرد و احساس حاکمیت مردان بر زنان در همه دورانها و نزد همه ملل و اقوام، کم و بیش وجود داشته و همواره نیز از سوی زنان اعتراضات و اقداماتی برای الغای آن تفاوتها و تبعیضها صورت گرفته آمده و به نتایجی هم منجر شده است. لذا ضمن تبیین این حقوق و اهداف آن از دو دیدگاه فقه و حقوق ایران و کنوانسیون بین المللی باید به جایگاه زنان به عنوان یکی از مصادیق شهروند که حقوق آنان در برخی از موارد نادیده گرفته شده است پرداخته شود.

مفهوم شهروند

واژه شهروند معادل polites یونانی و citizen انگلیسی و citoyen فرانسه است. (عنایت، ۱۳۷۱ ش: ۱۷) در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. (افشاری، ۱۳۸۲ ش: ۵۲) و در حقوق بین‌الملل،

به معنی مصطلح آن، تنها به فردی که در واحد سیاسی حکومت از حقوق کامل سیاسی ومدنی بهره‌مند باشد قابل اطلاق است. (گولد جولوس، ۱۳۷۶ش: ۵۵۲) و در علوم اجتماعی، کسی است که از حقوق مدنی برخوردار است. (شجیعی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۴۱)

مفهوم حق

حق در لغت، به معنای مطابقت، موافقت، موجود ثابت، صدق، خلاف لایق وباطل آمده است. (گرجی، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ص ۲۷۹) حق در اصطلاح فقه، نوعی ملکیت است که به نحو خاص بین مالک ومملوک وجود دارد (ابن تراب، ۱۳۸۵ش: ش ۴۱ و ۴۲) حق از دیدگاه حقوقی اسلام، امری اعتباری است که صاحب حق، به موجب آن شایستگی بهره وری از امری واختصاص آن را به خود یافته است ورعایت آن بر دیگران نیز لازم است. (حقیقت، ۱۳۸۱ش: ۱۳۷) حق در حقوق، اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام یا ترک نماید. (امامی، ۱۳۴۲ش: ج ۲، ص ۲)

مفهوم حقوق شهروندی

به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساسا شهروند کسی شمرده می‌شود که تنها تابع فرمان دولت نباشد بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می‌شود. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولا تابع زادگاه و ملیت پدر و مادر است. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید اما این‌گونه شهروندی معمولا همه حقوق

شهروندی (از جمله حق کسب و مشاغل دولتی) را با خود نمی‌آورد. (آشوری، ۱۳۷۳ش، ۲۲۱)

انواع حقوق شهروندی

الف) حقوق مادی، همچون: حق زندگی، حق امنیت، حق رفت و آمد، حق مسکن، حق مصونیت مکاتبات، و مخابرات، حق دفاع، حق تابعیت، حق انتخاب شغل، حق تامین اجتماعی، حق مالکیت شخصی ...

ب) حقوق معنوی، همچون: حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق آزادی ایمان، حق آزادی اطلاعات، حق آزادی اجتماعات، حق آزادی سیاسی، حق آزادی آموزش و پرورش، حق برابری و عدم تبعیض، حق برخورداری از دادرسی عادلانه. (احمدزاده، ۱۳۸۶ش، ش ۵۶)

حقوق شهروندی زن از دیدگاه قرآن

الف) تساوی زن و مرد از لحاظ خلقت

قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی می‌داند. «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده وخلق منها زوجها وبث منهما رجلا کثیرا و نسا» «ای مردم بپرهیزید و بترسید از خدایی که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان زیادی را آفرید...» (نسا، ۱) تعبیرات زیادی به این مضمون در قرآن وجود دارد. در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره‌ای به کامل‌تر بودن آفرینش مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمی‌شود.

ب) تساوی زن و مرد در کرامت انسانی

از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش‌های والای انسانی و مقام معنوی و توانایی

کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآنی تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود و در این زمینه آیات فراوانی در قرآن مجید وجود دارد. «ومن يعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنه ولا یظلمون نقیرا» (نساء، ۱۲۴)

ج) تساوی زن و مرد در تحمل تکالیف و مسئولیت‌ها

منظور از تکالیف و مسئولیت‌ها، مواردی است که برای هر دو یکسان امر شده، مثلا در امر به نماز یومیه، روزه... نه مواردی که خداوند خود در آنها قائل به تفاوت بین زن و مرد شده است. چرا که بنابه آیه «ان اکرمکم عندالله اتقکم» «همانا گرامی‌ترین شما نزد من با تقواترین شماست» (حجرات، ۳) هرگونه تمایزات جنسیتی را رفع نموده است و تمایزاتی که در برخی از موارد خداوند در مورد زنان قائل شده، تمایزات ناشی از نقصان عقل و یا تفاوت در خلقت نیست، بلکه لطف خداوند است.

د) توانایی بالقوه زنان در امر حکومت

با سیر اجمالی در قرآن کریم می‌توان به این مطلب پی برد که علی‌الاصول زنان از مشارکت در زندگی اجتماعی و عهده‌دار شدن مشاغلی از قبیل حاکم، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رهبر حزب در جوامع منع نشده و از این حیث ناتوان و ناقص قلمداد نشده‌اند. (مهرپور، ۱۳۸۶ش، ۲۲۵)

ه) یکسان بودن زن و مرد در مجازات

پس از بررسی آیات قرآن درمی‌یابیم که در محرمات الهی و کیفرهای مترتب بر آن نیز علی‌الاصول مرد و زن یکسان مورد خطاب قرار گرفته‌اند و قبح گناه و اعمال محرم و ممنوع و کیفر آن در مورد مرد و زن یکی است. خداوند در مورد مجازات سرقت می‌فرماید: مرد و زن دزد را به کیفر عملشان - که کیفری از جانب خداوند است - دست‌هایشان را ببرید. (مائده، ۳۸) و در مورد زنا می‌فرماید: زن زنا کار و مرد زناکار هر کدام را یکصد تازیانه زنید و اگر به

خدا و روز قیامت ایمان دارید در حکم خدا نسبت به آن دو مهربانی نکنید. (نور، ۲) ملاحظه نمودیم که یه اعمال خلاف ارتكابی آنان را ننگ آورتر و مستوجب مجازات بیشتر (حتی در مورد اعمال منافی عفت) می‌داند و نه مسئولیت آنان را کمتر به حساب می‌آورد.

(و) عدم ممنوعیت زنان برای شرکت در امور اجتماعی

قرآن هرگز زنان را در ردیف سفها و محجوران قرار نداده بلکه به رای و بیعت آنها با پیامبر اکرم (ص) نیز عنایت و توجه داشته و آن را معتبر شمرده است. و به پیامبر می‌فرماید: (ممتحنه: ۱۲)

«ای پیامبر، اگر زنان آمدند با تو بیعت کردند با آنها بیعت کن و برای آنها از خداوند طلب مغفرت نما که خداوند آمرزنده و مهربان است.

باتوجه به آیات قرآن، دلیل صریحی بر ممنوعیت شرکت زنان در امور مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و احراز مشاغل مختلف به چشم نمی‌خورد.

نمونه‌هایی از تفاوت حقوق شهروندی زن و مرد

الف) ممنوعیت جهاد ابتدایی

آنچه به طور مسلم گفته شده، برای زن جهاد ابتدایی جایز نیست و تکلیف آن از زن برداشته شده است، یعنی جهادی که ابتدا تا از سوی مسلمانان برای دعوت کافران به اسلام آغاز می‌شود آن هم به صورت شرکت مستقیم در پیکار، از زن برداشته شده است. (طباطبایی، بی تا، ۳۵۹)

ب) ممنوعیت تصدی حکومت

در زمینه حکومت، ظاهراً آنچه گفته می‌شود که طبق سیره اسلامی و احیاناً برخی نصوص وارده مختص مردان است و زنان از آن محرومند، چیزی است که از آن به ولایت